



دردانه ام البنین و علمدار کربلا چگونه در دامان علی(ع) پرورش یافت؟

تابش طلایی آفتاب، چهارمین روز شعبان سال 26 هجری قمری را در مدینه نوری دیگر می بخشید. بلور دل‌های شیفتگان امیرمؤمنان علی علیه السلام لبریز از شور و شوق می شد و کوچه های بنی هاشم، آغوش خود را به روی زائران خانه حضرت می گشود.

تابش طلایی آفتاب، چهارمین روز شعبان سال 26 هجری قمری را در مدینه نوری دیگر می بخشید. بلور دل‌های شیفتگان امیرمؤمنان علی علیه السلام لبریز از شور و شوق می شد و کوچه های بنی هاشم، آغوش خود را به روی زائران خانه حضرت می گشود.

چهره علاقه مندان اهل بیت علیهم السلام را شبنم شادی فرا گرفته بود و برای دیدار نورسیده مولای خویش بر یکدیگر پیشی می گرفتند. «ماه» تازه در مدینه کرده و با ظهور خود دل‌های شیفتگان اهل بیت علیهم السلام را از عطر شادمانی خوش بو ساخته بود. شور و شغف، خانه علی علیه السلام را فرا گرفته و نگاه همگان به سخاوت لبان مولا بود تا انتخاب نام نوزاد را نظاره کنند و شیرینی اولین کلام او را بیابند.

ام البنین، قنذاقه نوزاد را به دست امیرمؤمنان علی علیه السلام داد تا نامی برای وی برگزیند. حضرت در گوش راست وی اذان و در گوش چپش اقامه گفت تا از همان ابتدا جاننش با نوای خوش آن صفا یابد. آن گاه فرمود: «من او را به نام عمویم، عباس می نامم.»

سپس دست‌های نوزاد را بوسید و اشک به صورتش جاری شد و فرمود: «گویا می بینم این دست‌ها در کنار رود فرات در راه یاری دین خدا قطع خواهد شد.»

دوران کودکی

روزهای کودکی عباس علیه السلام در حالی آغاز شد که پدر گران قدرش چون آئینه معرفت، دانایی و کمال در مقابل او قرار داشت. گفتار الهی و رفتار آسمانی امام علی علیه السلام تأثیری ژرف بر وی نهاد. عباس علیه السلام خود را بر ساحل دریای علوم و معارف پدر می دید و در کنار جهاد و تقوا حس می کرد. او در خانه ای که بر خاک قرار داشت، ولی از افلاک برتری یافته بود، خانه ای که فرشتگان با فروتنی در آن فرود می آمدند و محل نزول اسرار هدایت بود، پرورش یافت.

عباس علیه السلام در دوران کودکی، خوشه چین حقایق ولایت بود و از بلندای بینش امام علی علیه السلام بهره های بسیار برد. امیرمؤمنان علی علیه السلام، پرورش و تکامل فرزندش را چنین توصیف می کند: «همانا فرزندم عباس، در کودکی دانش آموخت و چونان نوزاد کبوتر که از مادرش آب و غذا می گیرد، از من معارف فرا گرفت.»

عباس در کلام امام سجاد علیه السلام

امام سجاد علیه السلام در کربلا حضور داشت و خود شاهد شهامت و فداکاری های شهیدان راه حقیقت و فضیلت بود. آن حضرت درباره عباس علیه السلام می فرماید: «خداوند، عمویم عباس را رحمت کند که با ایثارگری و جانبازی در راه برادرش، فداکاری کرد تا دست‌هایش قطع شد و خداوند به جای آن، به او دو بال داد که با آنها به همراه فرشتگان در بهشت پرواز کند، همان گونه که برای جعفر بن ابی طالب 7 قرار داده شد. برای عباس در پیشگاه خداوند منزلتی است که در روز قیامت، همه شهیدان غبطه اش را می خورند.»

عباس در کلام امام صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام در شأن و مقام حضرت عباس علیه السلام چنین می فرماید: «عموی ما، عباس، پسر علی علیه السلام، بینشی دقیق و ایمانی استوار داشت. در رکاب برادرش با دشمنان جهاد کرد و به خوبی از عهده آزمایش الهی برآمد و به مقام شهادت رسید.»

در بخشی از زیارت نامه ای که امام صادق علیه السلام در مورد حضرت عباس علیه السلام فرموده، چنین می خوانیم: «گواهی می دهم که تو ای عباس، در امر دینت هیچ گونه سستی نکردی و در برابر دشمن ایستادی و به راستی با کمال بصیرت و آگاهی از دنیا رفتی، در حالی که به صالحان اقتدا و از پیامبران پیروی کردی.»

بزرگ جانباز اسلام

با مشاهده زندگی قمر بنی هاشم می توان دریافت که صفت ایثار و جانبازی، به بهترین شکل در وجود شریف آن حضرت نمود می یابد. حضرت عباس علیه السلام در پاسداری از سالار شهیدان، بر قلعه ایثار نشست و بر دیگر جانبازان آن عرصه پیکار حق بر ضد باطل، برتری یافت؛ زیرا فداکاری و جانبازی ایشان بر اساس ژرف ترین بصیرت ها قرار داشت؛ همان بصیرتی که امام صادق علیه السلام فرمود: «عموی ما عباس بصیرتی نافذ و عمیق و ایمانی محکم داشت».

ایمان استوار پاسدار اسلام

یکی دیگر از صفات بارز حضرت، ایمان استوار و پولادین اوست. از نشانه های استواری ایمان حضرت، جهاد در کنار برادرش، ریحانه رسول اکرم بود که هدفش جلب رضایت پروردگار متعال به شمار می رفت. و همانطور که در رجزهایش روز عاشورا بیان داشت از این جانبازی کمترین انگیزه مادی نداشت و همین دلیلی گویاست بر ایمان استوار حضرت.